

مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی

(نمونه مطالعه: ایلام)

غلامعباس توسلی، یارمحمد قاسمی

افزایش مناسبات متقابل بین قومی (قرینگی روابط) در حوزه‌های تعاملی معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری، تعلق، همگرایی و وفاداری اقوام را به هویت‌های جمعی فراقومی (هویت منطقه‌ای و ملی) تقویت می‌کند. مقاله حاضر با استناد به داده‌های تجربی فرضیه مذکور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش این مناسبات و همکاری‌های بین گروهی (بین قومی) که از برآیند روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاصل می‌شود، تعلق و وفاداری اقوام به واحدهای جمعی بزرگ‌تر - از جمله هویت‌های جمعی منطقه‌ای و ملی - افزایش پیدا می‌کند و در مقابل، کاهش این مناسبات به تقویت واحدهای جمعی خرد و تضعیف واحدهای جمعی کلان‌تر منجر می‌گردد. کلید واژگان: هویت جمعی، هویت ملی، قرینگی روابط در حوزه‌های چهارگانه نظام اجتماعی.

مقدمه

یکی از مسائل مهم در جوامع چندقومی^۱ و قطاعی^۲، موجود در جهان امروز از جمله ایران، این

۱. در این پژوهش، منظور ما از قوم، اجتماعات و خرده‌فرهنگ‌های ایلی در محدوده استان می‌باشد.
۲. امیل دورکیم جامعه‌شناس مشهور فرانسوی این واژه‌ها را برای اجتماعاتی به کار برده که دارای همبستگی مکانیکی بوده و چون دارای پارادایم (paradigm) ویژه خود بوده، از این رو به جدایی‌گزینی زیست قطاعی (Segmentiar) روی آورده‌اند.

است که در این‌گونه جوامع، گروه‌های قومی چه‌گونه باید با هم پیوند بخورند. به عبارت دیگر، مسئله این است که یکپارچگی اجتماعی با وجود مناسبات گسسته بین واحدهای جمعی چگونه امکان‌پذیر است و چگونه این مناسبات جهت‌ی پیوسته به خود می‌گیرند. در صورت تحقق این وضعیت، موضوع تحول هویت‌های جمعی مطرح می‌شود، هویت‌هایی که از یک سو میل به تعامل درون‌گروهی داشته و از سوی دیگر با روی‌آوری به مناسبات بین‌گروهی زمینه‌های شکل‌گیری یکپارچگی اجتماعی و ایجاد یک هویت جمعی بزرگ‌تر را فراهم می‌آورند. در حالت اخیر، «یکپارچگی ملی در سایه پیوند و همگرایی هویت‌های جمعی خرد شکل می‌گیرد و این پیوند می‌تواند جدا از مناسبات اقوام با دولت ملی استمرار داشته باشد. چنان‌چه این رویکرد (دولت-قوم) را رویکرد سیاسی در فرایند همگرایی تلقی کنیم، رویکرد قوم-قوم را می‌بایست رویکردی اجتماعی بدانیم که در آن نقش روابط اجتماعی اقوام برجستگی زیادی پیدا می‌کند» (یوسفی، ۱۳۸: ۱۴). مقاله حاضر با تکیه بر چنین رهیافتی تنظیم گردیده است و در صدد است با استناد به دیدگاه‌های نظری و داده‌های تجربی نشان دهد که:

(الف) کم و کیف مناسبات بین‌قومی در ایلام چه‌گونه است.

(ب) تعلق و وفاداری، مردم ایلام به هویت ملی، چه اندازه است.

(ج) مناسبات بین‌قومی چه اثری بر هویت جمعی جامعه‌ی (ملی) دارد.

برای بررسی مسائل فوق، ابتدا به پیشینه دانش موجود در این زمینه اشاره می‌شود و پس از نقد و بررسی آن‌ها فرضیه تحقیق ارائه می‌شود، آنگاه برای صراحت بخشیدن به فرایند کار برخی از مفاهیم را تعریف خواهیم کرد و سپس به میان یافته‌های آن اشاره می‌کنیم.

داده‌های این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «هویت جمعی: وضعیت و فرایند تحول آن در ایلام» است. جامعه آماری آن شامل کلیه افراد ۱۸ سال به بالای شهر ایلام بوده که از این میان، تعداد ۵۹۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده^۱ چندمرحله‌ای با تخصیص متناسب به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند، و واحد تحلیل گروه (واحد جمعی یا ایل) است.

مروری بر دانش موجود در زمینه مسئله (ملاحظات نظری)

از آن‌جایی که رویکرد ما به مسئله هویت جمعی رویکردی جامعه‌شناختی است، از این‌رو به آثار و پژوهش‌های موجود در این خصوص که با رویکرد جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند نگاهی اجمالی می‌اندازیم.

جامعه‌شناسان را براساس سؤالاتی که در ذهن داشته‌اند می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

1. stratified sampling

دسته اول را باید جامعه‌شناسان متعلق به دوره اول مدرنیته نامید و دسته دوم را جامعه‌شناسان متعلق به دوره مدرنیته متأخر دانست.

دغدغه گروه اول به قول آبرامز دوشقه‌ای دیدن جامعه است و هر کدام سعی دارند تا با این رویکرد به تقابل بین جامعه صنعتی به عنوان یک سنخ عمومی در جامعه و جامعه سنتی به عنوان یک سنخ عمومی دیگر اشاره نمایند. در این مدل‌های دوگانه با دو نوع هویت‌سازی متفاوت که شامل هویت سازمان یافته (در جامعه پیش‌صنعتی) و هویت سازمان یافته (در جامعه صنعتی) است مواجه هستیم (آبرامز، ۱۹۸۲: ۲۰).

قدر مشترک دیدگاه‌های جامعه‌شناسان اولیه گرچه مبتنی بر رویکرد تحول‌گرایی است، اما از سوی دیگر دربردارنده این واقعیت است که هر کدام از شقوق دوگانه، معرف نوعی هویت جمعی است که امکان توازی و سازگاری بین آن‌ها در یک زمان معین وجود نداشته و یکی از آن‌ها جایگزین دیگری خواهد شد.

به عقیده گروه دوم (جامعه‌شناسان اخیر)، با توجه به پرسش‌های جدیدی که در ذهن دارند، این دوگانه انگاری یا انکار می‌شود و یا این‌که صبغه کمتری دارد. از این‌رو، موضوع هویت جمعی که از مشخصه‌های اصلی جامعه جدید است، به گونه‌ای متفاوت با آنچه که جامعه‌شناسان دوره اول مدرنیته می‌انگاشتند مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، به عقیده گیدنز، فوکو و هابرماس هویت‌های جمعی در جامعه جدید به جای این‌که مبتنی بر ناهمسازی یا یکدیگر باشند، دارای خصلت همزیستی بوده و می‌توانند در کنار هم سرکنند. و درست به همین خاطر است که بحث گسترش مناسبات میان این هویت‌های جمعی می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به یک توافق جمعی^۱ با وجود دستگاه‌های حقیقت‌گوناگون و عقلانیت‌های متفاوت - به قول فوکو - باشد. از سوی دیگر، تفاوت جامعه‌شناسان اولیه با جامعه‌شناسان اخیر در بحث هویت‌های جمعی به تفاوت آن‌ها در مبانی هستی‌شناسی و بینشی و نگاهی که بر جامعه دارند برمی‌گردد. از نظر جامعه‌شناسان دوره مدرن، مهم‌ترین عنصر تحلیل، ساختاری دیدن و غلبه آن بر وجه کنش اجتماعی^۲ از سوی افراد است و همگی در پذیرش این مطلب اتفاق نظر دارند که شرایط محیط، انتخاب‌های افراد را محدود می‌کنند (کراپ، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

در حالی که به نظر جامعه‌شناسان متأخر، مانند پارسونز، گیدنز و هابرماس، ساختار و کنش هر دو مهم‌اند، و به جای این‌که بحث از ساختار یا کنش مطرح شود بهتر است موضوع ساختار و کنش مد نظر باشد. این تفاوت بینشی نتایجی دارد و القاکننده این ایده است که عناصر خرد و

۱. به موجب این نظریه، حقیقت مبتنی بر اجماع همه‌جانبه درباره صحت حکم است و از وضعیت کلام مبتنی بر برابری و به دور از اختلال برمی‌خیزد (هابرماس، ۱۳۷۷).

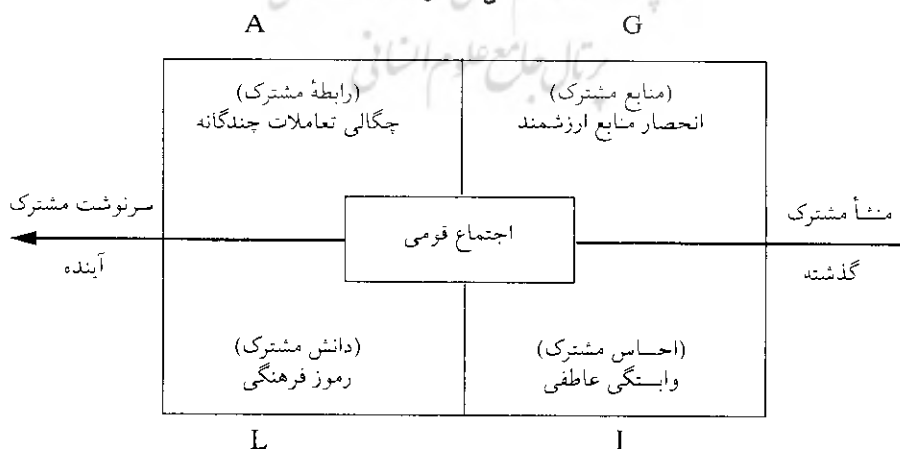
2. social action

کلان با هم در یک پروژه تکمیلی به سر می‌برند و می‌توانند هم‌نشینی و سازگاری داشته باشند. بر مبنای این بینش، جامعه عرصه هم‌نشینی عناصر خرد و کلان است که نمود عینی آن مشروعیت دادن به تکثرگرایی و قبول وجود هویت‌های جمعی گوناگون و نه یک هویت جمعی مطلق و واحد است. در صورت قبول این اصل می‌توان به امکان بسط روابط متقابل این واحدهای جمعی نیز حکم داد.

ایجاد روابط متقابل بین افراد یک فراگرد ساده و تک‌بعدی نبوده بلکه فرایندی سیستمی و نظام‌مند است و حداقل چهار بُعد دارد که عبارت‌اند از: بُعد معیشتی، بُعد اقتداری، بُعد عاطفی و بُعد فکری. افراد مناسبات خود را در محدوده این خرده‌نظام‌ها تنظیم نموده و بدان استمرار می‌بخشند، و پژوهش حاضر براساس این رویکرد تنظیم گردیده است.

طبق رهیافت سیستمی، که غالباً با نام تالکوت پارسونز گره خورده، نظام اجتماعی وظایف خود را در چهار خرده‌نظام تنسيق می‌کند.^۱ طبق نظر پارسونز، هر نظامی با محیط خود انطباق پیدا کند (انطباق‌پذیری)^۲، هر نظامی باید وسایلی برای بسیج منابع خود داشته باشد تا بتواند به هدف‌های خود دست یابد (دستیابی به هدف)^۳، هر نظامی باید هماهنگی درونی اجزای خود را حفظ و شیوه‌های برخورد با انحراف را ایجاد نماید (یکپارچگی)^۴، و بالاخره هر نظامی لازم است تا حد ممکن خود را در حال تعادل نگاه دارد (حفظ انگاره)^۵.

شکل شماره ۱



مأخذ: (چلبی، ۱۳۷۷).

۱. این ابعاد چهارگانه به قالب «اجیل» (AGIL) معروف است.

2. adaptation
4. integration

3. goal attainment
5. pattern maintenance (latency)

چلبی، در قالب اجیل «اجتماع قومی» را به لحاظ نظری مفهوم‌سازی کرده است (شکل شماره ۱) که این چارچوب و ابعاد چهارگانه آن بنیان نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد (۱۳۷۷).

طبق چارچوب نظری چلبی، اجتماع قومی در ابعاد چهارگانه معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری مورد توجه است، که به تعبیر دیگر از منابع، رابطه، دانش و احساس مشترک برخوردار است و هر کدام از این ابعاد به چهار جزء دیگر تقسیم می‌شود که مناسبات متقابل (خواه درون‌گروهی و خواه بین‌گروهی) در محدوده این اجزا صورت می‌گیرد.

فرضیه اساسی

مناسبات بین قومی در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی فرصت‌های ارتباطی لازم را برای پیوند اعضای اجتماعات قومی با اجتماع ملی فراهم می‌آورد. بدین معنی که: با افزایش قرینگی روابط بین قومی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی افزایش پیدا می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۰).

تعریف مفاهیم

قوم: قوم اجتماعی از افراد است که دارای منشأ مشترک (اعم از واقعی یا خیالی) سرنوشت مشترک، احساس مشترک و انحصار نسبی منابع ارزشمند مشترک می‌باشند (چلبی، ۱۳۷۷).

مناسبات بین قومی

مناسبات اجتماعی شامل مجموع روابط اجتماعی بین اعضای دو یا چند گروه قومی است که این مناسبت‌ها به چهار نوع عمده تقسیم می‌شوند: روابط معیشتی مثل معاملات اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی مشترک، روابط سیاسی یا اقتداری بین قومی، مثل ائتلاف بین قومی در مورد سرنوشت مدیریت قوم و اقوام، روابط اجتماعی یا عاطفی، مثل دوستی، معاشرت و خویشاوندی در بین اعضای قوم یا چند قوم و روابط فکری و فرهنگی، مثل تبادل نظر و همکاری و همفکری بین اقوام. برای سنجش روابط چهارگانه فوق از ۱۲ گویه (هر بعد ۳ گویه) استفاده شده است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۵).

قرینگی روابط بین قومی

دوجانبه بودن روابط چهارگانه معیشتی، اقتداری، فکری و عاطفی در بین اعضای دو یا چند گروه قومی قرینگی روابط خوانده می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۶). بر این اساس میزان قرینگی روابط بین دو قوم از تقسیم میانگین روابط اعضای آن دو قوم بر یکدیگر و ضرب کردن آن در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید. قرینگی کامل در روابط بین دو قوم زمانی حاصل می‌شود که روابط آن دو با یکدیگر برابر باشد. به عنوان مثال میزان قرینگی روابط اقتصادی دو قوم A و B به ترتیب زیر محاسبه می‌شود.

$$100 \times \frac{\text{میزان روابط اقتصادی قوم A با B}}{\text{میزان روابط اقتصادی قوم B با A}} = \text{میزان قرینگی روابط اقتصادی قوم A و B}$$

این میزان به روشنی نشان می‌دهد که چند درصد از روابط بین دو قوم دوجانبه است و لذا هر چه میزان قرینگی بیشتر (به ۱۰۰ نزدیک) باشد، حاکی از این است که روابط دوجانبه قومی بیشتر است. در پایان، این روابط بر روی یک طیف قرار می‌گیرند و برحسب نزدیکی یا دوری به ۱۰۰ رتبه‌بندی شده و میزان بالا بودن یا پایین بودن، بیشتر یا کمتر بودن مناسبات بین قومی بر مبنای مقیاس رتبه‌ای به دست آمده است.

پرستیژ قومی^۱

پرستیژ قومی عبارت است از فزونی یافتن گیرندگی رابطه بر فرستندگی رابطه یک قوم با سایر اقوام. بر این اساس، هر قدر گیرندگی رابطه قوم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر از فرستندگی روابط مذکور باشد، غلبه و پرستیژ قومی بیشتر خواهد بود، و بنا به این اصل پرستیژ اجتماعی اقوام را می‌توان به چهار نوع پرستیژ اقتصادی، سیاسی (آمریت) فرهنگی و اجتماعی (احترام) و نیز پرستیژ کلی تجزیه نموده و شیوه محاسبه آن عبارت است از تقسیم میزان روابط یک قوم با سایر اقوام بر میزان روابط سایر اقوام با همان قوم (همان: ۱۶).

به عنوان مثال، پرستیژ اقتصادی قوم A به ترتیب زیر محاسبه می‌گردد:

$$\frac{\text{میزان روابط اقتصادی سایر اقوام با قوم A}}{\text{میزان روابط اقتصادی قوم A با سایر اقوام}} = \text{پرستیژ اقتصادی قوم A}$$

1. ethnic prestige

هویت جمعی^۱

«هویت جمعی شناسه آن قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را بدان متعلق، منتسب و مدیون بداند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف کند. این که من در مرحله اول خود را با کدام واحد جمعی معرفی کنم، و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف کنم، هویت جمعی مرا نشان می دهد. این هویت های جمعی را می توان در سطح تربیتی، از کوچک و خاص به بزرگ و عام، مثلاً از هم قاملیلی، هم طایفه یا هم محله، هم روستا، هم قوم، هم زمان، هم مذهب، هم وطن و هم نوع دسته بندی کرد» (عبداللہی، ۱۳۷۴).

هویت ملی

هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است. این عناصر و نمادها که سبب شناسایی و تمایز می شوند عبارت اند از: بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی. برای سنجش مفهوم فوق ۱۳ گویه در نظر گرفته شده است.

هویت جمعی منطقه ای - قومی

این نوع هویت به معنای احساس تعلق و دلبستگی به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع قومی است که برای اندازه گیری میزان آن از چهار گویه استفاده شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در بررسی حاضر تلفیقی از روش های پیمایشی و اسنادی می باشد. روش نمونه گیری نیز، تصادفی طبقه ای می باشد، واحد تحلیل، گروه است اما داده ها از فرد فرد نمونه و با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری گردآوری شده اند. محتوای ابزار جمع آوری، شامل مقیاس های نیمه استاندارد، مقیاس محقق ساخته و پرسش های خصیصه ای می باشد.

یافته ها

داده های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه با ۵۹۵ نفر پاسخگوی ۱۸ ساله و بالاتر به دست آمده است که به یکی از ایلات هشتگانه استان ایلام، شامل ایلات ارکوازی، ملکشاهی، خزل،

1. collective identity

شوهان، بدره، میش خاص، دهبالایی و عالی بیگی، تعلق داشته‌اند. از این تعداد ۹۱ نفر ملکشاهی، ۷۱ نفر ارکوازی، ۲۵ نفر شوهان، ۱۵ نفر میش خاص، ۲۳ نفر بدره، ۳۱ نفر دهبالایی، ۵۶ نفر خزل و ۸ نفر عالی بیگی به روش نمونه‌گیری تصادفی برگزیده شدند. همچنین تعداد ۱۱۳ نفر از اعلام و ابستگی خود به ایلی خاص خودداری نموده و تعداد ۱۱۰ نفر دیگر خود را وابسته به واحدهای جمعی کوچک تر - که فاقد ساختار ایلی اند - منتسب دانسته‌اند.

۲۷/۸ درصد پاسخگویان زن و ۴۹/۵ درصد مرد بودند. ۴۷/۱ درصد پاسخگویان بین سنین ۲۰-۲۹ قرار می‌گیرند و بقیه در گروه‌های سنی دیگر توزیع شده‌اند. ۹۳/۲ درصد باسواد و بقیه بی‌سواد بوده‌اند. ۵۴/۶ درصد بیکار و ۴۳/۲ درصد شاغل و بالأخره از نظر قومیت ۹۳ درصد کرد و ۳/۱ درصد لر بوده‌اند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی میزان هویت ملی پاسخگویان

ردیف	شرح گروه	مواقف		شک دارم		مخالقم	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم.	۵۴۸	۹۳/۵	۲۴	۴/۱	۸	۱/۴
۲	من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.	۵۴۲	۹۲/۵	۲۹	۴/۹	۸	۱/۴
۳	اسلام مایه سربلندی ایرانیان است.	۵۲۹	۹۰/۳	۳۱	۵/۳	۱۲	۲
۴	من عیدهای مذهبی (قربان، میعت و فطر) را دوست دارم.	۵۶۲	۹۵/۹	۱۱	۱/۹	۵	۰/۹
۵	پرچم سه رنگ ایران مایه سربلندی من است.	۵۳۲	۹۰/۸	۳۳	۵/۶	۱۲	۲
۶	با شنیدن سرود ملی ایران به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.	۵۳۰	۹۰/۴	۳۲	۵/۵	۱۴	۲/۴
۷	حافظ و مولوی مایه سخاوت ایرانیان هستند.	۵۴۴	۹۲/۸	۲۸	۴/۸	۸	۱/۴
۸	فردوسی مایه سربلندی ایران است.	۵۳۶	۹۱/۵	۳۳	۵/۶	۱۱	۱/۹
۹	من به زبان فارسی عشق می‌ورزم.	۴۹۸	۸۵	۵۲	۸/۹	۲۶	۴/۴
۱۰	دولت جمهوری اسلامی ایران چندان افتخاری برای ما نیست.	۱۰۴	۹/۷	۷۸	۱۳/۳	۴۰۴	۶۸/۹
۱۱	خیلی وقت‌ها به خود می‌گویم کاش در ایران به دنیا نیامده بودم.	۵۷	۹/۷	۶۵	۱۱/۱	۴۵۴	۷۷/۵
۱۲	اگر از دستم برآید حاضر نیستم یک لحظه در ایران بمانم.	۴۹	۸۱/۴	۵۴	۹/۲	۴۷۵	۸۱/۱
۱۳	گاهی احساس می‌کنم که از مردم ایران متنفرم.	۳۵	۶	۶۸	۱۱/۶	۴۷۸	۸۱/۶

(مأخذ: چلبی، ۱۳۷۷).

میزان هویت ملی هر یک از پاسخگویان براساس امتیازی است که از ترکیب ۱۳ گویه مذکور کسب می‌گردد. سؤال‌ها براساس مقیاس سه‌قسمتی سنجیده شده که حداقل امتیاز پاسخگویان صفر و حداکثر ۲ محاسبه گردیده است. این آمارها پس از هم‌جهت کردن گویه‌های منفی با گویه‌های مثبت محاسبه شده‌اند. گویه‌های منفی (ستاره‌دار) گویه‌هایی هستند که مخالفت با آن‌ها نشانه هویت ملی است و، برعکس، گویه‌های مثبت گویه‌هایی هستند که موافقت با آن‌ها نشانه هویت ملی محسوب می‌شود. عناصر سازنده هویت ملی در این پژوهش عبارتند از بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی. براین اساس هر کدام از گویه‌های فوق به تناسب در هر یک از ابعاد هفتگانه قرار می‌گیرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گویه شماره ۴ که دارای بالاترین درصد است (۹۵/۹) دلالت بر این دارد که بعد مذهبی هویت ملی در میان پاسخگویان دارای شدت بیشتری است و پس از آن گویه شماره ۱ قرار می‌گیرد. این گویه معرف بُعد جغرافیایی هویت ملی است. بُعد سوم که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بعد تاریخی است که در گویه شماره ۷ نشان داده شده است. سایر ابعاد دارای مقادیر نسبتاً مشابهی هستند، مگر گویه شماره ۱۰ که معرف بعد سیاسی بوده و نشانگر آن است که ۳۱/۱ درصد پاسخگویان از حکومت ناراضی بوده و بدان افتخار نمی‌کنند تفاوت بالاترین و پایین‌ترین رتبه از این جهت قابل توضیح است که «آداب و مناسک مذهبی جزو عناصر پایدار فرهنگی و دولت جزو عناصر سیاسی ناپایدار اجتماع ملی است» (یوسفی: ۱۳۸۰).

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی میزان تعلق خاطر پاسخگویان به هویت ملی

میزان‌ها	مقادیر	فراوانی	درصد
بی‌جواب	۴	۰/۷	
کم	۴	۰/۷	
متوسط	۲۸	۴/۸	
زیاد	۵۵۰	۹۳/۹	
جمع	۵۸۶	۱۰۰	

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی تعلق خاطر نمونه آماری به هویت ملی را نشان می‌دهد. براساس داده‌ها، ۹۳/۹ درصد نمونه آماری این میزان را زیاد ارزیابی کرده‌اند و نشانگر آن است که هویت ملی و احساس تعلق بدان در نمونه آماری بالاست.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل عاملی^۱ هویت ملی در بین ایل‌های هشتگانه استان (تعداد پاسخگو: ۵۹۵ نفر)

ردیف	اجزای هویت ملی	معیار ملی ^۲	وامل هویت ملی		
			عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳
تعلق خاطر مشترک	۱ پرچم سه رنگ ایران مایه سربلندی ماست.	۰/۸۴	۰/۸۱		
	۲ با شنیدن سرود ملی ایران، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنیم.	۰/۷۶	۰/۷۵		
	۳ اسلام، مایه سربلندی ایرانیان است.	۰/۵۰	۰/۷۲		
	۴ من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم.	۰/۶۵	۰/۷۱		
	۵ من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.	۰/۸۱	۰/۷۰		
	۶ من اعیاد مذهبی، مثل عید قربان، فطرمیعت را دوست دارم.	۰/۴۷	۰/۶۷		
وفاداری مشترک	۷ اگر از دستم برآید، حاضر نیستم یک لحظه هم در ایران بمانم.	۰/۷۵	۰/۸۱		
	۸ خیلی وقت‌ها به خودم می‌گویم، ای کاش در ایران به دنیا نیامده بودم.	۰/۷۹	۰/۷۷		
	۹ گاهی احساس می‌کنم، از مردم ایران متنفرم	۰/۶۸	۰/۷۳		
	۱۰ دولت جمهوری اسلامی ایران، افتخاری برای ما نیست.	۰/۶۸	۰/۵۳		
براث مشترک	۱۱ حافظ و مولوی باعث افتخار ما ایرانیان هستند.	۰/۸۱	۰/۸۶		
	۱۲ فردوسی مایه سربلندی ما ایرانیان است.	۰/۸۵	۰/۸۳		
	۱۳ من به زبان فارسی عشق می‌ورزم.	۰/۵۸	۰/۵۶		

$$R = ۰/۱۲$$

شرح ابعاد تجربی هویت ملی

بر اساس تحلیل عاملی^۳ که در مورد اجزای هویت ملی انجام گرفته، این مفهوم در بین

۱. در تنظیم جدول فوق از مدل تحلیلی آقای یوسفی (۱۳۸۰) استفاده شده است.
۲. منظور از به کارگیری این واژه اشاره به مطالعه‌ای است که در سال ۱۳۷۸ چلبی در مورد قومیت‌های کشور انجام داده است.

3. factor analysis

پاسخگویان هشت ایل استان دارای سه عامل اساسی است، هر عامل متشکل از اجزایی (گروه‌هایی) است که معنای مشترکی دارند. براساس نتایج تحلیل عاملی، هویت ملی که در جدول (۳) منعکس گردیده، دارای سه بُعد اساسی است که عبارت‌اند از:

بُعد اول متشکل از شش جزء است. این اجزا به ترتیب اهمیتی که در تشکیل این بُعد از هویت ملی دارند، در ستون سوم جدول شماره (۳) (عامل ۱) فهرست گردیده‌اند، این اجزا عبارت‌اند از: افتخار به پرچم ملی، تعلق به سرزمین، افتخار به سرود ملی، احساس غرور ملی، علاقه به اعیاد مذهبی و احساس غرور دینی (اسلام). ضرایبی (بار عاملی) که در جلوی هر جزء قرار گرفته، حاکی از اهمیتی است که هر یک از متغیرها در تشکیل این بُعد از هویت ملی دارند. بر این مبنا عنصر پرچم و سرود ملی با بالاترین بار عاملی بیشترین سهم را در تشکیل این بُعد از هویت ملی بر عهده دارند. بر همین مبنا، عامل نخست هویت ملی را می‌توان «تعلق خاطر مشترک» نسبت به نمادهای ملی نام‌گذاری کرد.

عامل دوم هویت ملی شامل چهار جزء است. این اجزا به ترتیب اهمیتی (مقدار بار عاملی) که در تشکیل بُعد مذکور دارند عبارت‌اند از: علاقه به وطن (گروه‌های ۷ و ۸)، علاقه به مردم (هموطنان) و علاقه به دولت ملی قرار گرفتن این متغیرها در یک ترکیب عامل (۲) حاکی از این معناست که از دیدگاه پاسخگویان بین این متغیرها سنخیت و تشابه معنایی وجود دارد. در این صورت، وطن، مردم و دولت بُعد دیگری از هویت ملی را تشکیل می‌دهند.

مقادیر بار عاملی هر یک از متغیرها در این بعد نشان می‌دهد که تعلقات وطن بیش از سایر اجزا در تشکیل این بعد از مفهوم هویت ملی دخالت دارند. بر این مبنا، این عامل از هویت ملی را می‌توان «وفاداری مشترک» به وطن و مردم دانست.

سومین عامل هویت ملی متشکل از عناصری است که دلالت روشنی به میراث تاریخی و فرهنگی پاسخگویان دارند. در این بُعد سه جزء عضویت داشته که جملگی صبغه فرهنگی دارند. بر این مبنا، این بُعد (عامل) از هویت ملی را می‌توان «میراث فرهنگی مشترک» نامید.

بدین ترتیب، براساس تحلیل مذکور، هویت ملی در بین پاسخگویان دارای سه عامل است که عبارت‌اند از: «تعلق خاطر مشترک»، «وفاداری مشترک»، و «میراث فرهنگی مشترک»^۱.

اما برای نشان دادن پایایی^۲، مقیاس ضرایب (بار عاملی) هویت ملی در بین ایلات استان ایلام، که نشانگر وضعیت تعلق خاطر مردم ایلام به هویت ملی است، با معیار ملی مقایسه شده

۱. در مقوله‌بندی عامل‌ها و نیز شرح ابعاد تجربی هویت ملی از مقاله دکتر یوسفی (۱۳۸۰) استفاده شده است.

است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عامل سوم در هر دو بررسی دارای بار عاملی نسبتاً یکسانی است و در عامل دوم مشابهت‌هایی در گویه اول و دوم و سوم مشهود است و در گویه چهارم گرچه بین قدر مطلق بار عاملی‌ها تفاوت وجود دارد، اما هر دو در مقایسه با سه گویه اول بار عاملی پایین‌تری دارند. در عامل اول نیز در هر دو بررسی افتخار به پرچم دارای بالاترین بار عاملی است و در هر دو بررسی گویه ششم نیز پایین‌ترین بار عاملی را دارد. در مجموع می‌توان ادعا کرد که بین بارهای عاملی در هر دو بررسی یک همبستگی مثبت (مستقیم) وجود دارد.^۱

($r = 0.12$)

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی میزان هویت محلی (منطقه‌ای و قومی) در ایلات هشتگانه

ایلات	دهبالایی		عالی‌بیگی		بدره		خزل		میش‌خاص		شوهان		ملکشاهی		ارکوازی		سایر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
هویت محلی	۲۲۲	۱	۰	۰	۲۳۲	۱	۲/۶	۲	۰	۰	۳	۱	۵/۵	۵	۲/۸	۲	۲/۲۸	۹	۲/۲۵	۱۲
کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
متوسط	۵۸	۱۸	۶۲/۵	۵	۷۸/۲	۱۸	۹۲/۸	۵۲	۶۶/۶	۱۰	۹۲	۲۲	۲۲/۶	۶۷	۶۲/۳	۲۵	۷۸/۹	۲۱۰	۷۲/۲	۳۳۸
زیاد	۲۸/۸	۱۲	۳۷/۵	۲	۱۷/۵	۳	۷/۶	۲	۳۲/۲	۵	۴	۱	۲۰/۸	۱۹	۳۳/۸	۱۳	۱۶/۹	۳۵	۲۱/۸	۲۰
بی‌جواب	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۸	۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۹۱	۱۰۰	۷۱	۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۳۲۰

در جدول شماره (۴) دیده می‌شود که هر کدام از ایلات تعلق خاطر خود را به هویت محلی ابراز نموده‌اند. براساس داده‌های فوق، شدت ابراز نگرش در میان ایلات مانند هویت ملی چندان قوی نیست و هر ایلات ترجیح داده است که نگرش خود را بین گزینه متوسط و زیاد نگه دارد، ولی صریحاً از ابراز آن طفره رفته است. اما، با این حال، پایین بودن فراوانی ارقام در گزینه «کم» حاکی از آن است که مردم شهر ایلام علی‌رغم گرایش بسیار بالا به هویت ملی همچنان به هویت محلی وابستگی دارند.

توزیع قرینگی روابط اقتصادی بین ایلات استان در جدول شماره (۵) نشان داده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود، رابطه ایلات ارکوازی با ایلات ملکشاهی، شوهان، خزل، عالی‌بیگی و دهبالایی بالاست، اما متقابلاً ایلات ملکشاهی، شوهان‌ها و میش‌خاص‌ها، خزل‌ها، عالی‌بیگی‌ها و دهبالایی‌ها با ارکوازی‌ها رابطه بالایی دارند و در این بین قرینگی روابط ایلات بدره با ایلات ارکوازی ضعیف است (۲۱۲/۵ و ۴۷/۵). در سایر روابط نیز این واقعیت مشهود است. ملکشاهی‌ها با عالی‌بیگی‌ها روابط ضعیفی دارند و متقابلاً این قاعده برقرار است، این ضعف و

۱. میزان این همبستگی در کل محاسبه گردیده، اما چنانچه در مورد هر بعد جداگانه محاسبه گردد، قطعاً این میزان، متفاوت خواهد بود.

جدول شماره ۵. توزیع میزان قرینگی روابط اقتصادی بین ایل‌های استان

دهبالایی	عالی‌بیگی	بدره	خزل	میش خاص	شوهان	ملکشاهی	ارکوازی	
۱۱۸/۹	۱۰۹/۱	۲۱۲/۵	۱۰۹/۱	۱۳۷/۸	۱۰۲	۱۱۱/۲۵		ارکوازی
۱۰/۱۸	۶۳/۶۹	۱۱۶/۸	۱۰۵/۱	۱۳۲/۳	۱۰۰		۸۹/۶	ملکشاهی
۱۰۰	۱۴۵/۲	۱۰۱/۵	۹۳/۶	۱۲۲/۵		۱۴۲/۵	۹۸/۲	شوهان
۲۵	۶۲/۲	۴۸	۸۵/۳		۷۵	۸۱/۶	۷۵/۵	میش خاص
۷۹/۴	۱۲۵/۷	۱۳۳/۳		۹۹/۵	۱۰۶/۸	۱۱۴/۹	۸۱/۹	خزل
۹۵	۴۸/۷		۱۱۳/۵	۶۴/۵	۵۷/۲	۸۵/۵	۴۷/۵	بدره
۱۰۵/۶		۲۰۵/۵	۱۱۳/۶	۲۰۸/۳	۸۵/۴	۱۵/۷	۹۱/۶	عالی‌بیگی
	۹۴/۶	۹۴/۶	۱۱۵/۶	۱۶۰/۱	۷۵/۳	۹۸/۲	۸۴/۰۴	دهبالایی

مأخذ: (یوسفی، ۱۳۸۰).

شدت قرینگی روابط ناشی از برخوردهای تاریخی و موقعیتی ایلات با هم است. مثلاً، هنگام انجام دادن پژوهش، دو ایل بدره و میش خاص با هم نزاع قبیله‌ای داشته‌اند که این امر در قرینگی روابط آن‌ها خود را نشان داده است (۶۴/۵ و ۴۸)، یا مثلاً رابطه میش خاص با دهبالایی که ضعیف برآورد شده ناشی از یک نزاع تاریخی و برخورد ایلی در چند دهه پیش است. ناگفته نماند که این قرینگی صرفاً در بعد اقتصادی است و به منزله ثابت و تعمیم آن به دیگر ابعاد نیست.

جدول شماره ۶. توزیع میزان قرینگی روابط سیاسی بین ایل‌های استان

دهبالایی	عالی‌بیگی	بدره	خزل	میش خاص	شوهان	ملکشاهی	ارکوازی	
۹۵/۷	۱۳۲	۲۱۱/۳	۱۳۰/۹	۴۰۱/۶	۱۰۰	۱۱۷		ارکوازی
۸۶/۳	۷۳/۸	۱۰۱/۸	۸۷/۴	۱۳۳/۷	۹۲/۵		۸۵/۷	ملکشاهی
۱۳۶/۳	۹۴/۳	۱۱۵/۵	۱۰۶/۸	۵۶۰		۱۰۲/۷	۹۹/۵	شوهان
۵۷/۳	۳۵/۲	۵۲/۶	۸۴/۶		۵۵/۲۵	۷۶/۱	۶۳/۲	میش خاص
۷۴/۶	۱۲۰/۳	۱۲۰/۴		۱۱۸/۸	۹۶	۱۱۴/۳	۷۶/۳	خزل
۸۴/۲۵	۴۱/۰۲		۸۱/۷	۱۹۰	۹۰	۹۸/۲	۴۷/۳	بدره
۱۰۰		۲۴۴/۱	۸۳/۱۱	۲۸۳/۵	۱۰۶	۱۳۷/۵	۷۵/۷	عالی‌بیگی
	۱۱۱/۵	۱۱۸/۶	۱۳۴/۰۳	۱۷۴/۴	۷۳/۰۵	۱۱۵/۸	۱۰۴/۴	دهبالایی

مأخذ: (یوسفی، ۱۳۸۰).

در بعد سیاسی قرینگی روابط بین برخی از ایل‌ها به‌طور متقابل ضعیف است، از جمله ارکوازی با میش خاص، ملکشاهی با عالی‌بیگی، شوهان با میش خاص، میش خاص با اغلب ایل‌ها بدره با ارکوازی، عالی‌بیگی با میش خاص، دهبالایی با میش خاص و خزل با دهبالایی و ارکوازی با خزل. همان‌طور که پیش از این گفته شد، علت اصلی این ضعف روابط که در مواردی به سردی روابط هم اطلاق می‌شود برخوردهای قبیله‌ای در چندین دهه پیش است که هنوز در ضمیر جمعی و خاطره قبیله‌ای آن‌ها مانده است. اما این یک سوی واقعیت است، از سوی دیگر این‌ها در برابر هم روابط گرم هم دارند، از جمله ملکشاهی‌ها با ارکوازی‌ها و برعکس، یا ملکشاهی‌ها با شوهان‌ها و برعکس، میش خاصی‌ها با خزل‌ها و برعکس.

جدول شماره ۷. توزیع میزان قرینگی روابط اجتماعی بین ایل‌های استان

ارکوازی	ملکشاهی	شوهان	میش خاص	خزل	بدره	عالی‌بیگی	دهبالایی
۱۲۴/۳	۱۰۵/۴	۱۶۴/۶	۲۲۶/۶	۱۶۴/۸	۱۸۱/۹	۱۰۴/۵	۱۲۷/۲
۱۰۰	۱۶۴/۶	۱۵۷/۶	۷۶/۸	۹۴/۶	۱۰۰	۸۶	ملکشاهی
۹۵/۲	۵۵/۸	۱۲۰	۱۱۷/۵	۱۳۳/۳	۱۳۵/۸	۴۳/۶۶	شوهان
۴۴/۴	۹۶/۵	۵۲/۰۸	۸۳/۳	۵۵/۵	۵۰	۴۶/۱	میش خاص
۵۵/۷	۱۳۵/۴	۸۵/۰۸	۱۲۰	۱۳۱/۶	۱۲۹/۷	۷۱	خزل
۷۰	۱۰۵/۶	۷۵	۱۸۰	۹۵/۹	۷۴	۸۰/۹	بدره
۹۵/۶	۱۱۷/۶	۷۳/۶	۲۵۰	۷۷/۰۹	۱۳۵/۱	۹۵/۴	عالی‌بیگی
۷۸/۵	۱۱۶/۰۸	۷۹/۵	۲۱۷/۵	۱۴۰/۸	۱۲۳/۵	۸۷/۱	دهبالایی

مأخذ: (بوسفی، ۱۳۸۰).

در بعد اجتماعی، مانند روابط بین گروهی (قرینگی روابط که در خرده‌نظام‌های دیگر اقتصادی و سیاسی) بین ایلات وجود دارد، نیز تا حدی ثابت است. اما استثناهایی هم دارد. مثلاً روابط ارکوازی و میش خاص در این بعد بالاست و همین‌طور روابط بین‌گروهی ایل‌های عالی‌بیگی و ملکشاهی. اما نزاع‌های تاریخی ایلات در بعد اجتماعی همچنان آثار خود را بر جای نهاده است؛ مثلاً، روابط بین‌گروهی در ایلات ارکوازی-خزل، میش خاص-بدره، دهبالایی-میش خاص. این تضادهای اجتماعی تاکنون در ضمیر جمعی اعضای ایل‌ها استمرار یافته است، اما پیش‌بینی می‌شود که در نسل‌های بعدی تخفیف یابد و از خاطره‌ها زدوده شود. در مجموع روابط بین‌گروهی و قرینگی آن‌ها در بین ایل‌ها همچنان میل به افزایش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸. توزیع میزان قرینگی روابط فرهنگی بین ایل‌های استان

دهبالایی	عالی‌بیگی	بدره	خزل	میش خاص	شوهان	ملکشاهی	ارکوازی	
۱۱۰/۹	۹۶/۸	۱۸۳/۵	۱۸۸/۹	۲۱۸/۱	۱۲۵	۱۳۲		ارکوازی
۹۸/۱	۴۹/۶	۸۴/۲	۱۴۵/۳	۹۷/۲	۹۹/۲		۷۵/۵	ملکشاهی
۷۲/۵	۶۶/۲	۹۵/۲	۱۴۱/۳	۲۴۳/۴		۱۰۰/۸	۸۰	شوهان
۴۵/۹	۲۴/۶	۶۳/۴	۸۰/۸		۴۱/۰۷	۱۰۲/۳	۴۵/۵	میش خاص
۵۹/۱	۱۲۷/۲	۱۰۹/۲		۱۲۳/۶	۷۰/۷	۹۷/۷	۵۲/۹	خزل
۶۲/۵	۴۱/۴		۸۴/۶	۱۵۷/۵	۱۰۵	۱۱۸/۷	۵۴/۴	بدره
۱۱۰		۲۴۱/۲	۱۶۷/۳	۴۰۵	۱۵۰	۲۰۱/۵	۱۰۴/۵	عالی‌بیگی
	۹۰/۹	۱۵۹/۸	۱۶۹/۰۶	۲۱۷/۵	۹۸/۲	۱۰۱/۸	۹۰/۱	دهبالایی

مأخذ: (بوسنی، ۱۳۸۰).

روابط بین‌ایلی و قرینگی مناسبات فرهنگی در جدول شماره (۸) نشان داده شده است، همان‌طوری که دیده می‌شود، در این بعد نیز سردی روابط فرهنگی بین ایل‌های ارکوازی-خزل، میش خاص-دهبالایی، میش خاص-بدره متقابلاً وجود دارد. و از سوی دیگر گرمی روابط بین ایلی میان برخی از ایل‌ها، از قبیل عالی‌بیگی-دهبالایی، خزل-میش خاص، بدره-شوهان، شوهان-ملکشاهی و... همچنان پابرجاست، حتی به عنوان یک استثنا می‌توان به روابط نسبتاً گرم دهبالایی‌ها و ارکوازی‌ها اشاره کرد که چند دهه پیش با هم نزاع ایلی داشته‌اند، اما در حال حاضر آن خاطره تاریخی در روابط بین‌گروهی آنان تأثیر چندانی باقی نگذاشته است. آن‌چه که در مجموع می‌توان از روابط بین‌گروهی و قرینگی مناسبات در چهار خرده‌نظام استنتاج نمود این است که به استثنای چند برخورد ایلی که شرح آن گذشت، روابط بین گروه‌ها در حال افزایش است.

جدول شماره ۹. توزیع فراوانی میزان پرستیژ ایلی

نام ایل	خرده‌نظام‌ها	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی	جمع کل	میانگین کل
ارکوازی	۰/۶	۰/۸	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۲/۹۰	۰/۷۳
ملکشاهی	۰/۸۳	۱	۱	۱	۱	۲/۸۳	۰/۹۵
شوهان	۱	۰/۸۳	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۳/۳۳	۰/۸۳
میش خاص	۲	۲	۱	۱	۰/۵	۵/۵	۱/۲۷
خزل	۱/۲	۰/۸۵	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۳/۹۵	۰/۸۹
بدره	۱	۱/۵	۲	۲	۲	۵/۵	۱/۲۷
عالی‌بیگی	۱	۱/۳	۱	۱	۱	۴/۳	۱/۰۷
دهبالایی	۱	۰/۸۳	۱/۲۵	۱/۲۵	۱/۲۵	۴/۴	۱/۱

در جدول شماره ۹) پرستیژ ایلی هر یک از ایل‌های مورد بررسی نشان داده شده است. در بُعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ایل میش خاص دارای پرستیژ ایلی برتر است، اما در بُعد فرهنگی این برتری از آن ایل خزل است. پایین‌ترین میزان پرستیژ ایلی در بُعد اقتصادی مربوط به ایل ارکوازی است. در بُعد سیاسی پایین‌ترین میزان هم به ایل ارکوازی اختصاص یافته، در بُعد اجتماعی ایل خزل سهم نازلی از پرستیژ ایلی دارد. و بالأخره ایل میش خاص دارای نازل‌ترین سهم از پرستیژ فرهنگی است. بنابراین میانگین کل پرستیژ اجتماعی از بالا به پایین به ترتیب عبارت است از: ۱. میش خاص و بدره، ۲. دهبالایی، ۳. عالی بیگی، ۴. ملکشاهی، ۵. خزل، ۶. شوهان، ۷. ارکوازی. ولی ذکر این نکته لازم است که برخی از ایل‌ها علی‌رغم این‌که پرستیژ نازل‌تری دارند، ولی از نظر قدر مطلق روابط (گیرندگی به فرستندگی) در مواردی به اندازهٔ دو برابر ایل‌هایی که پرستیژ برتری دارند، دارای روابط متقابل بوده‌اند (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰. توزیع فراوانی گیرندگی و فرستندگی روابط ایل‌ها در چهار خرده‌نظام^۱

خرده‌نظام ایل	اقتصادی		سیاسی		اجتماعی		فرهنگی	
	گیرندگی	فرستندگی	گیرندگی	فرستندگی	گیرندگی	فرستندگی	گیرندگی	فرستندگی
ارکوازی	۵	۶	۳	۵	۳	۴	۳	۴
ملکشاهی	۵	۵	۵	۶	۵	۵	۵	۵
شوهان	۵	۶	۵	۵	۳	۴	۳	۴
میش خاص	۴	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۴
خزل	۶	۷	۶	۵	۲	۵	۳	۲
بدره	۳	۲	۴	۴	۴	۲	۳	۳
عالی بیگی	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۲
دهبالایی	۵	۶	۴	۴	۵	۴	۴	۳
جمع	۳۷	۳۷	۳۳	۳۴	۲۸	۳۰	۲۵	۲۷

جدول شماره ۱۰) توزیع فراوانی مطلق گیرندگی و فرستندگی روابط بین گروهی را در چهار خرده‌نظام در نمونه آماری نشان می‌دهد. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان گیرندگی روابط از آن دو ایل میش خاص و بدره (۱۰ و ۱۴) است، در حالی که میزان فرستندگی در دو ایل یاد شده (۹ و ۱۱) می‌باشد. در سایر ایلات چون میزان فرستندگی بر میزان گیرندگی غلبه دارد، در نتیجه پرستیژ اجتماعی آنان کاهش یافته است.

۱. ارقام جدول شماره ۱۰) حاصل مجموع میزان فرینگی مناسبات اجتماعی هر ایل است.

ارقام جدول شماره (۱۱) در پاسخ به این سؤال کلی به دست آمده که در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چقدر و به چه میزان با قومیت‌های دیگر حاضر به ایجاد رابطه هستید؟ همان‌طور که دیده می‌شود، ایلامی‌ها در زمینه اقتصادی و سیاسی آمادگی بیشتری برای ایجاد رابطه با اقوام پنجگانه کشور داشته‌اند، اما در مجموع روابط برون‌گروهی در مقیاس برون

جدول شماره ۱۱. میزان روابط ایل‌ها با قومیت‌های پنجگانه کشور در ۴ خرده‌نظام^۱

میزان‌ها خرده‌نظام‌ها	پایین		متوسط		بالا		بی‌جواب		کل
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اقتصادی	۳۹/۹	۲۳۴	۲۶/۸	۱۵۷	۲۶/۱	۱۵۳	۴۲	۷/۲	۵۸۶
سیاسی	۴۴/۵	۲۶۱	۳۵	۲۰۵	۱۳/۵	۷۹	۴۱	۷	۵۸۶
اجتماعی	۴۹	۲۸۷	۴۴/۲	۲۵۹	۳	۲	۳۸	۶/۵	۵۸۶
فرهنگی	۵۶/۳	۳۳۰	۳۶/۹	۲۱۶	۲	۱	۳۹	۶/۷	۵۸۶
میانگین	۴۷/۴	۲۷۸	۳۵/۶	۲۰۹	۱۰/۱	۵۹	۴۰	۶/۹	۵۸۶

استانی (کشوری و ملی) در میان ایلات تا حدی ضعیف است. بیشترین میزان ضعف در خرده‌نظام فرهنگی و اجتماعی است و پس از آن خرده‌نظام‌های سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱۲. میزان روابط کلی با اقوام پنجگانه کشور

مقادیر روابط	فراوانی	درصد
کم	۲۶۲	۴۴/۷
متوسط	۱۳۴	۲۲/۹
زیاد	۱۷۴	۲۹/۷
بی‌جواب	۱۶	۲/۷
جمع	۵۸۶	۱۰۰

در جدول شماره (۱۲) میزان روابط کلی مردم ایلام با اقوام پنجگانه کشور آورده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود، بیش از نیمی از نمونه آماری (۵۲/۶ درصد) بر این باورند که تمایل

۱. قومیت‌های پنجگانه شامل اقوام آذری، لر، کرد، فارس و عرب است.

دارند با اقوام کشور مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته باشند، اما وجود رقم ۴۴/۷ درصدی در بین ارقام فوق دلالت بر این دارد که هنوز ایجاد رابطه با اقوام کشور با شک و تردیدهایی همراه است. به بیان دیگر، گرچه روابط بین‌گروهی میان ایلامی‌ها و قومیت‌های دیگر در حال گسترش است، اما هنوز شدت بالایی ندارد.

جدول شماره ۱۳. مقایسه زوجی مناسبات ایلی در ابعاد چهارگانه اجتماعی

ردیف	زوج قومی	مناسبات اجتماعی			
		مناسبات اقتصادی	مناسبات سیاسی	مناسبات اجتماعی	مناسبات فرهنگی
		میزان قرینگی	میزان قرینگی	میزان قرینگی	میزان قرینگی
۱	ارکوازی - ملکشاهی	۱۰۰/۴۲	۱۰۱/۳۵	۱۱۲/۱	۱۰۳/۸۵
۲	ارکوازی - شوهان	۱۰۰/۱	۹۹/۷۵	۱۰۰/۳	۱۰۲/۵
۳	ارکوازی - خزل	۹۵/۵	۱۰۳/۶	۱۱۰/۳۵	۱۲۱
۴	ارکوازی - بدره	۱۲۹/۷۷	۱۲۹/۳	۱۲۵/۹۵	۱۱۹/۲
۵	ارکوازی - میش خاص	۱۰۶/۶	۲۳۲/۴	۱۳۵/۵	۱۳۱/۹
۶	ارکوازی - عالی بیگی	۱۰۰/۳۵	۱۰۳/۷	۱۰۰	۱۰۰/۶
۷	ارکوازی - دهبالایی	۱۰۱/۴۷	۱۰۰/۳	۱۰۲/۸۵	۱۰۰
۸	ملکشاهی - شوهان	۱۲۱/۵	۹۷/۶	۱۱۰/۲	۱۰۰
۹	ملکشاهی - خزل	۱۱۰	۱۰۰/۸	۱۰۶/۱	۱۱۶/۶
۱۰	ملکشاهی - بدره	۱۰۱/۱۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۱/۴
۱۱	ملکشاهی - میش خاص	۱۰۶/۵۹	۱۰۴/۹	۱۲۷	۹۹/۷
۱۲	ملکشاهی - عالی بیگی	۱۱۰/۳۴	۱۰۵/۶	۱۰۸/۸	۱۲۵
۱۳	ملکشاهی - دهبالایی	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۱	۹۹/۹
۱۴	شوهان - خزل	۱۰۰/۵	۱۰۱/۴	۱۰۰/۳۵	۱۰۶
۱۵	شوهان - بدره	۷۹/۵	۱۰۲/۷۵	۱۰۴/۱	۱۰۰/۱
۱۶	شوهان - میش خاص	۹۸/۷۵	۳۰۷/۷۵	۸۶	۱۴۲/۳۵
۱۷	شوهان - عالی بیگی	۱۱۵/۳	۱۰۰/۱۵	۱۰۴/۷	۱۰۸/۱
۱۸	شوهان - دهبالایی	۸۷/۶	۱۰۵/۲	۶۱/۵	۸۵/۳۵
۱۹	خزل - بدره	۱۲۳/۴	۱۰۱	۱۱۳/۷۵	۹۶/۹
۲۰	خزل - میش خاص	۹۲/۴	۱۰۱/۷	۱۰۱/۶	۱۰۲/۲
۲۱	خزل - عالی بیگی	۱۱۹/۶	۱۰۱/۷	۱۰۳/۲	۱۴۷/۲
۲۲	خزل - دهبالایی	۹۷/۵	۱۲۶/۳	۱۳۵/۲	۱۱۴
۲۳	بدره - میش خاص	۵۶/۳۵	۱۲۱/۳	۱۱۷/۷۵	۱۱۰/۴
۲۴	بدره - عالی بیگی	۱۲۷/۱	۱۴۲	۱۰۴/۵	۱۴۱/۳
۲۵	بدره - دهبالایی	۱۳۰	۱۰۱/۴	۱۰۲/۲	۱۱۱/۱
۲۶	میش خاص - عالی بیگی	۱۳۵/۵	۱۵۹/۳	۱۵۰	۲۱۴/۸
۲۷	میش خاص - دهبالایی	۹۲/۵	۱۱۵/۸	۱۳۱/۸	۱۳۱/۷
۲۸	عالی بیگی - دهبالایی	۱۰۰/۵	۱۰۵/۷۵	۹۱/۳۵	۱۰۰/۴

همان‌طور که در جدول (۱۳) آمده است، در بُعد اقتصادی زوج‌های ایلی، ملکشاهی - دهبالایی، ارکوازی - شوهان، ارکوازی - عالی‌بیگی، ارکوازی - ملکشاهی، شوهان - خزل، عالی‌بیگی - دهبالایی، به ترتیب دارای بیشترین روابط متقابل بوده و زوج‌های ایلی بدره - میش‌خاص، میش‌خاص - عالی‌بیگی، بدره - دهبالایی، بدره - عالی‌بیگی، ارکوازی - بدره و خزل - بدره به ترتیب دارای کمترین مناسبات متقابل بوده‌اند.

در بُعد سیاسی، به ترتیب زوج‌های ایلی، ملکشاهی - بدره، شوهان - عالی‌بیگی، ارکوازی - شوهان و ارکوازی - دهبالایی دارای بیشترین مناسبات و زوج‌های ایلی، شوهان - میش‌خاص، ارکوازی - میش‌خاص، عالی‌بیگی، بدره - عالی‌بیگی، ارکوازی - بدره و خزل - دهبالایی به ترتیب دارای کمترین مناسبات بوده‌اند.

در بُعد اجتماعی، به ترتیب زوج‌های ایلی، ارکوازی - عالی‌بیگی، ملکشاهی - بدره (هر دو در یک رتبه)، ارکوازی - خزل و شوهان - خزل (هر دو در یک رتبه) دارای بیشترین مناسبات و زوج‌های ایلی، میش‌خاص - عالی‌بیگی، شوهان - دهبالایی، ارکوازی - میش‌خاص، خزل - دهبالایی و میش‌خاص - دهبالایی دارای کمترین مناسبات بوده‌اند. در بعد فرهنگی، به ترتیب زوج‌های ایلی، ارکوازی - دهبالایی، ملکشاهی - شوهان (هر دو در یک رتبه)، شوهان - بدره، عالی‌بیگی، دهبالایی و ارکوازی - عالی‌بیگی دارای بیشترین مناسبات و میش‌خاص - عالی‌بیگی، خزل - عالی‌بیگی، شوهان - میش‌خاص، بدره - عالی‌بیگی، میش‌خاص - دهبالایی، ارکوازی - میش‌خاص به ترتیب دارای کمترین روابط بوده‌اند.

در ابعاد دوگانه، ملکشاهی - بدره (در ابعاد سیاسی و اجتماعی)، ارکوازی - شوهان (اقتصادی و اجتماعی) و عالی‌بیگی - دهبالایی (اقتصادی و فرهنگی) دارای بیشترین مناسبات و زوج‌های ایلی ارکوازی - میش‌خاص (سیاسی و فرهنگی)، بدره - عالی‌بیگی (سیاسی و فرهنگی) و میش‌خاص - عالی‌بیگی (فرهنگی و سیاسی) به ترتیب دارای کمترین مناسبات بوده‌اند.

در ابعاد سه‌گانه، ایل ملکشاهی - بدره دارای بیشترین مناسبات (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) و زوج‌های ایلی میش‌خاص - عالی‌بیگی (فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) و ارکوازی میش‌خاص (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) به ترتیب دارای کمترین مناسبات بوده‌اند.

در ابعاد چهارگانه، زوج‌های ایلی ملکشاهی - دهبالایی و ملکشاهی - بدره دارای بیشترین مناسبات و میش‌خاص - عالی‌بیگی دارای کمترین مناسبات بوده‌اند.

در میان زوج‌های ایلی، میش‌خاص در چهار خرده‌نظام با کمترین مناسبت‌ها و پس از آن عالی‌بیگی‌ها، دهبالایی‌ها و ارکوازی‌ها قرار دارند. از سوی دیگر، زوج‌های ایلی میش‌خاص با

عالی‌بیگی، بدره - عالی‌بیگی، میش‌خاص - ارکوازی، میش‌خاص - دهبالایی، میش‌خاص - شوهان، خزل - دهبالایی، میش‌خاص - بدره، شوهان - دهبالایی، خزل - بدره، خزل - عالی‌بیگی دارای کمترین مناسبت بوده که ناشی از وجود ناسازگاری در بین آنان است. البته ناگفته نماند که وجود روابط کمتر بین زوج‌های ایل‌ی می‌تواند ناشی از عدم ارتباط و به دلیل فاصله مکانی و یا وجود موانع طبیعی بین آنان باشد. اما زوج‌های ایل‌ی که دارای بیشترین روابط با هم بوده‌اند: ارکوازی - عالی‌بیگی، ارکوازی - شوهان، ارکوازی - دهبالایی، شوهان - بدره، ملکشاهی - بدره، شوهان - خزل، ملکشاهی - شوهان

جدول شماره ۱۴. رابطه بین میزان احساس تعلق خاطر به هویت ملی و میزان قرینگی مناسبات در بین ایل‌های استان

هویت ملی / قرینگی روابط	بالا	متوسط	پایین	جمع
زیاد	۲۷۱	۷۱	۳۴	۳۷۶
متوسط	۸۳	۵۱	۲۲	۱۵۶
کم	۱۷	۲۰	۱۳	۵۰
جمع	۳۷۱	۱۴۲	۶۹	۵۸۲

بالا بودن مقدار ضریب همبستگی کندال (که 0.745 است) نیز مؤید شدت رابطه مستقیم بین دو متغیر مورد نظر است.

از سوی دیگر، با ملاحظه ارقام جدول شماره (۱۴) مبنی بر این رابطه و نیز بالا بودن بسیار زیاد این همبستگی می‌توان مدعی شد که هر قدر قرینگی روابط میان واحدهای جمعی بیشتر شود، به همان میزان احساس تعلق خاطر به هویت ملی نیز بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۱۵. توزیع فراوانی همبستگی قومی و منطقه‌ای (احساس تعلق محلی)

مقادیر پاسخها	فراوانی	درصد
زیاد	۳۱۲	۵۳/۳
تا حدی	۱۳۸	۲۳/۷
کم	۱۱۵	۱۹/۶
بی‌جواب	۲۰	۳/۴
جمع	۵۸۶	۱۰۰

در جدول شماره (۱۵) بیش از نیمی از نمونه آماری احساس تعلق محلی دارند و $19/6$

درصد دیگر نیز این احساس را ضعیف می‌دانند. و نشانگر این است که احساسات محلی‌گرایی در ایلام همچنان قوی است.

جدول شماره ۱۶. رابطه بین میزان هویت قومی - منطقه‌ای (محلی) و میزان روابط اجتماعی

روابط / هویت قومی	بی‌جواب	پایین	متوسط	بالا	جمع
زیاد	۱۹	۳۹	۸۱	۱۷۰	۳۰۹
تا حدی	۰	۱۹	۳۹	۷۶	۱۳۴
کم	۸	۱۹	۲۰	۴۹	۹۶
بی‌جواب	۷	۰	۱۰	۳۰	۳۷
جمع	۳۴	۷۷	۱۰۰	۳۲۶	۵۸۶

$$X^2 = ۳۰/۹۱$$

$$PC = ۰/۱۳$$

$$DF = ۹$$

بالا بودن مقدار ضریب همبستگی کندال Tb (که ۰/۶۹۴ می‌باشد) بیانگر شدت رابطه مستقیم (مثبت) بین دو متغیر مورد نظر است.

نتیجه‌گیری

آنچه که پیش از این آمد، حاصل تلاشی نظری - تجربی مبنی بر بررسی امکان و فور مناسبات اجتماعی بین گروهی و رابطه آن با تحول هویت‌های جمعی بزرگ‌تر (منطقه‌ای و ملی) بود. برای بررسی این رابطه، مطالعات نظری انجام شد و با تکیه بر آن‌ها مناسبات اجتماعی در ابعاد معیشتی، اقتداری، فکری و عاطفی طرح و فرضیه پژوهش به محک آزمون گذاشته شد. مهم‌ترین یافته مقاله این است که با افزایش مناسبات بین گروهی (بین ایلی) امکان دستیابی به هویت جمعی میانی (منطقه‌ای) و ملی فراهم می‌شود. به عبارت دیگر، هر قدر مناسبات اجتماعی در سطح بین گروهی افزایش یابد، امکان دستیابی به انسجام اجتماعی کلان‌تر (قومی و اجتماعی) بیشتر می‌شود. برخی از نتایج جانبی مقاله به شرح زیر است:

— تعلق خاطر نمونه آماری به هویت ملی بسیار بالا (حدود ۹۵ درصد) و هویت منطقه‌ای نیز نسبتاً بالاست (حدود ۷۰ درصد).

— گویه مربوط به تعلق خاطر به حکومت دارای کمترین رتبه و گویه مربوط به بعد مذهبی دارای بالاترین رتبه است. این تفاوت از این جهت قابل توجه است که آداب مناسب مذهبی جزو عناصر پایدار فرهنگی و حکومت جزو عناصر ناپایدار اجتماع ملی است.

نتایج تحلیل عاملی هویت ملی در بین ایل‌های هشتگانه استان نشان می‌دهد که هویت ملی را می‌توان در سه عامل دسته‌بندی کرد که عبارتند از: تعلق خاطر مشترک به نمادهای ملی، وفاداری مشترک به مردم و وطن و میراث مشترک. مقایسه مقادیر این سه بعد با مطالعات مشابه کشور حاکی از آن است که بین مقادیر ابعاد این دو مطالعه همبستگی مثبت است.

میزان پرستیژی ایلی در بین ایلات گرچه پراکندگی چندانی ندارد، اما ایلات همیشه خاص - بدره و دهبالایی از این لحاظ رتبه‌های برتری دارند.

نتایج مقایسه زوجی نشان می‌دهد که زوج‌های ایلی، ارکوازی - ملکشاهی، ارکوازی - شوهان، ارکوازی - دهبالایی، ملکشاهی - بدره، شوهان - خزل، ملکشاهی - شوهان، و شوهان - بدره دارای بیشترین تمایل به ارتباط هستند و زوج‌های ایلی، بدره - عالی‌بیگی، میش خاص - عالی‌بیگی، میش خاص - ارکوازی، میش خاص - دهبالایی، میش خاص - شوهان، خزل - دهبالایی، میش خاص - بدره، شوهان - دهبالایی، خزل - بدره، و خزل - عالی‌بیگی دارای کمترین تمایل به ارتباط می‌باشند.

میزان روابط کلی ایلامی‌ها با اقوام پنج‌گانه کشور نسبتاً بالاست (حدود ۶۵ درصد)، اما میزان تمایل به این ارتباط و همزیستی به ترتیب با کردها، فارس‌ها، لرها، عرب‌ها و آذری‌ها ترجیح داده شده است.

اما از لحاظ نظری این مقاله توانسته است دیدگاه سیستمی پارسونز را (هر چند در یک بعد و آن هم بعد متناسبات اجتماعی) در جامعه مورد بررسی به محک آزمون بگذارد. و از جنبه تجربی نیز به نتایجی دست یافته که برخی محققان در کشور، از قبیل عبداللهی، چلبی و یوسفی، پیش از این بر آن‌ها دست یافته‌اند.

منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۷۸) «هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی»، امور اجتماعی وزارت کشور، فوکو، میشل (۱۳۷۸) *نظم‌گفتار*، ترجمه باقر پرهام، نشر آگاه.
- کرایب، یان (۱۳۷۸) *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، انتشارات آگاه.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۴) «بحران هویت دینامیسم و مکانیسم تحول هویت جمعی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی دفتر اول*، ۶۳-۸۳.
- هابرماس، یورگن (۱۳۷۷) «دین و خشونت»، *کیان*، سال هشتم، شماره ۴.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰) «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۸، ۱۳-۴۲.

Abrams. P. (1982) *Historical sociology*, Openbook, Publishing, itd. England.

غلامعباس توسلی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است. از ایشان کتاب‌های متعددی نظیر،

نظریه‌های جامعه‌شناسی، بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر، روشنفکری و اندیشه‌های دینی، جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر، جامعه‌شناسی کار و شغل، جامعه‌شناسی دینی و مقالات متعددی در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. علایق پژوهشی ایشان در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی، کار و شغل، دین و بینش‌ها و نظریه‌ها می‌باشد.

یارمحمد قاسمی، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی